

بررسی مهاجرت نخبگان علمی در ایران

علی اصغر اسماعیل زاده^۱

غلامرضا ذاکر صالحی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۸

مقاله حاضر، تلاشی است برای تحلیل مجدد مجموعه‌ای از پژوهش‌های مربوط به مسئله مهاجرت نخبگان و نقدی بر آنچه تا کنون در این زمینه در ایران انجام شده است. استفاده از برآیند یافته‌های پژوهش‌های مختلف، جمع‌آوری یافته‌های پژوهشی از مطالعات منفرد و پراکنده به منظور ترکیب و یکپارچه‌سازی یافته‌های آن جهت استفاده علمی و کاربردی در راستای برنامه‌ریزی، از مهم‌ترین دلایل اهمیت مرور سیستماتیک حاضر است. در این مطالعه که با روش مرور سیستماتیک انجام شده، اطلاعات توصیفی مفیدی پیرامون ابعاد روش شناختی و محتوایی پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه مهاجرت نخبگان در ایران ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهند که پژوهش‌های انجام شده در این مورد، در ابعاد روش شناختی و نظری نیاز به ساماندهی دارد و کمتر پیمایش جدی در این زمینه صورت گرفته است. پیمایش‌ها بیشتر درصدد سنجش گرایش نخبگان داخل به مهاجرت بوده و کمتر به نخبگان مهاجرت کرده پرداخته و این از جمله خلاءهای مطالعاتی در حوزه مهاجرت نخبگان است.

واژگان کلیدی: مرور سیستماتیک، مهاجرت نخبگان، فرار مغزها و ایران

مقدمه

مسئله بزرگ پیش‌رو برای توسعه منابع انسانی در جوامع دولت‌های غیرصنعتی، از دست دادن استعدادهای انسانی از طریق "فرار مغزها" است (ژویگ، ۲۰۰۸). متغیرهایی همچون: ناتوانی سیاسی، تفاوت‌ها در سطح دستمزد، امکانات پژوهشی اندک، گرفتاری‌های خانوادگی، آموزش فرزندان و پاداش‌های مربوط به کار، از جمله عوامل احتمالی هستند که می‌توانند دانش‌آموخته‌های کشورهای جهان سوم را برای خروج از سرزمین مادری‌شان ترغیب کنند. وقتی صحبت از اصطلاح "مهاجرت نخبگان" می‌شود، ابتدا به فکر واژه‌هایی همچون: "فرار مغزها"، "فرار نخبگان" و "فرار سرمایه‌ها" می‌افتیم؛ بدین معنی که در نگاه اول، عده‌ای با نگاهی بدبینانه، مهاجرت‌کنندگان به ورای مرزها را خائن به وطن و طماع تلقی می‌کنند و در نگاه دوم، عده‌ای مهاجرت و چرخش مغزها را خصلت خاص جهانی شدن اطلاعات و دانش - محور شدن جوامع می‌دانند. لذا به نظر می‌رسد که موضوع مهاجرت نخبگان پدیده‌ای چند وجهی باشد، زیرا در عصر حاضر نمی‌توان از فرار مغزها و مهاجرت نخبگان به عنوان مقوله‌ای ذاتاً منفی نام برد، بلکه باید فرصت‌های ناشی از امکان مهاجرت را شناسایی و بهره‌برداری نمود. این نوع نگاه در "نظریه جهانی شدن" نیز مورد نظر بوده است، زیرا نظریه جهانی شدن معتقد است که جهانی شدن به ویژه "جهانی شدن بازار کار"، فرصت‌های جدیدی را برای استفاده بهتر از نیروی انسانی متخصص در مقیاس جهانی فراهم آورده و دسترسی متخصصان کشورهای در حال توسعه را به بازار کار پیشرفته صنعتی به مراتب افزایش داده است (محمدی الموتی، ۱۳۸۳: ۲۱۰). بنابراین ضروری است تا موضوع "مهاجرت نخبگان" را از زوایای مختلف بررسی نمود.

در بررسی موضوع از نگاه اول، مهاجرت نخبگان و "فرار مغزها"، کشور را از یک سرمایه ملی که در واقع می‌تواند در خدمت توسعه کشور باشد بی‌بهره می‌کند، زیرا سرمایه انسانی عامل مؤثری در رشد و توسعه اقتصادی، پرکردن شکاف عمیق تکنولوژیکی، کاهش نقش مزیت نسبی طبیعی و افزایش نقش مزیت نسبی اکتسابی کشورهای در حال توسعه، محسوب می‌شود. به همین منظور سهم قابل توجهی از منابع آنها صرف آموزش نیروی انسانی می‌شود. اما زمانی که باید سرمایه انسانی مورد بهره‌برداری قرارگیرد، به شکل "فرار مغزها" خارج شده و زیان جبران‌ناپذیری متوجه کشورهای در حال توسعه می‌کند. در این خصوص برابر برخی گزارش‌ها، هر ساله ۱۸۰ هزار تحصیل کرده به عناوین مختلف از ایران خارج می‌شوند. صندوق بین‌المللی پول در آماري نشان داد که ایران از نظر فرار مغزها در بین ۹۱ کشور در حال توسعه و توسعه نیافته جهان، مقام اول را دارد. طبق این آمار، سالانه بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار نفر از ایرانیان تحصیل کرده برای خروج از ایران اقدام

^۱ - Brain drain

می‌کنند (داورزنی، ۱۳۸۵). براساس برآوردهای موجود، بیش از دو و نیم میلیون نفر ایرانی در ۳۲ کشور خارجی زندگی می‌کنند که از این عده یک و نیم میلیون نفر در آمریکای شمالی و نیم میلیون نفر در اروپا زندگی می‌کنند (محمدی الموتی، ۱۳۸۳: ۱۲۳). در خلال سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ از تعداد ۴۰۰۰ دانشجوی اعزامی به خارج، بیش از ۸۰۰ نفر از ایفای تعهدات خود امتناع ورزیده که خسارت ناشی از فقدان حضور این دسته از دانش‌آموختگان در کشور که اغلب سرمایه‌های فکری کشور محسوب می‌شوند، حتی در صورت اخذ وثیقه نیز جبران نمی‌شود. لذا موضوع نخبگان و بهره‌برداری از سرمایه انسانی آنان، موضوعی پیچیده و چند وجهی است. چند وجهی بودن مسئله مهاجرت نخبگان باعث می‌شود که هیچ‌تک عاملی را نتوان به عنوان عامل موثر بر پدیده مهاجرت مغزها معرفی نمود، بلکه مجموعه‌ای از عوامل در کنار یکدیگر و در تعامل با هم در تعیین الگوی مهاجرت موثر هستند (فرجادی، ۱۳۸۰).

در کنار پیچیدگی و چند وجهی بودن موضوع مهاجرت نخبگان، مشکل دیگری را نیز باید در ارتباط با آن به آن افزود و آن اینکه ما آمار دقیقی درباره افرادی که کشور را ترک می‌کنند، نداریم. همچنین نمی‌دانیم پس‌زمینه آنها چیست؟ چه مدت قصد دارند که در جاهای دیگر بمانند؟ آنها کجا می‌روند و چرا؟ (کوهل، ۱، ۲۰۰۷). در کشور ما، سامانه مشخص آماری-اطلاعاتی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در زمینه حفظ و جذب نیروی انسانی نخبه موجود نیست (ذاکر صالحی، ۱۳۸۶: ۱۱۴). علاوه بر مشکلات فوق، پیمایش‌ها در مورد فرار مغزها نیز نادر هستند (کوهل، ۲۰۰۷).

به طور کلی، فرار مغزها بیشتر کشورهای جهان سوم را در بر گرفته است، اما در بعضی از کشورها میزان آن بالاست. جریان مهاجرت بین‌المللی افراد متخصص از کشورهای در حال توسعه (مبدا) به کشورهای توسعه یافته (مقصد) در دو دهه اخیر رشد چشمگیری داشته است (طیبی، ۱۳۹۰: ۷۴). کشور ما نیز از جمله کشورهایی است که به طور مشخص از دههٔ چهل شمسی روند آن شروع شده و هر ساله بر میزان آن افزوده می‌شود. گرچه در طول سال‌های اخیر، برنامه‌هایی برای جلوگیری از فرار مغزها توسط سازمان‌های مختلف از جمله وزارت علوم به اجرا درآمده، اما چنین برنامه‌هایی محدود، مقطعی و بدون نیازسنجی بوده و در نتیجه، توان مقابله و جلوگیری از این مسئله و رضایت نخبگان را نداشته و در روند مهاجرت آنها تأثیر بسیار ناچیزی داشته است. یافتن راهی برای خروج از این پدیده، مستلزم پژوهش و سرمایه‌گذاری عظیم مادی و معنوی در این بخش بسیار مهم است و عدم توجه کافی به این مسئله خسارات جبران‌ناپذیری را به بار می‌آورد. در زمینه چرایی و چگونگی مهاجرت فرهیختگان در ایران چند پژوهش صورت گرفته است، اما خلأ یک تحقیق جامع

¹ Cuhls

که به دسته بندی علت ها و کم و کیف فرار مغزها پرداخته باشد احساس می شود؛ پژوهشی که از طریق آن بتوان دلایل دانش آموختگان و استادانی را که از کشور خارج می شوند، دسته بندی کرد تا از آن طریق راهکارهای مناسب برای جلوگیری از این پدیده را یافت. اجرای طرح های مطالعه سیستماتیک می تواند با شناسایی نقاط انفصال و انقطاع پژوهش ها، آنها را با یکدیگر ترکیب کند و از این طریق علاوه بر استفاده و بکارگیری نتایج طرح ها، زمینه مناسبی برای دستیابی به سوی دانشی بومی پدید آورد، ضعف های دیگر پژوهش ها را شناسایی و ترمیم نماید و به طی روند مطلوب فرایند بهینه سازی تحقیقات کمک کند.

تحقیق حاضر، تلاشی است برای تحلیل مجدد مجموعه ای از پژوهش های مربوط به مسئله فرار مغزها و نقدی بر آنچه تا کنون انجام شده است. استفاده از برآیند یافته های پژوهش های مختلف، جمع آوری یافته های پژوهشی از مطالعات منفرد و پراکنده به منظور ترکیب و یکپارچه سازی یافته های آن جهت استفاده علمی و کاربردی در راستای برنامه ریزی، از مهمترین عواملی است که موجب اهمیت انجام تحقیق حاضر شده است. از طرف دیگر، مطالعه روش شناختی این پروژه ها می تواند نقاط ضعف و قوت کارهای پژوهشی مربوط به مهاجرت نخبگان را در کشور نشان دهد تا از یک سو، با تحلیل روش شناسانه، در بهینه سازی کارهای پژوهشی تلاش شود و از سوی دیگر، با مرور سیستماتیک یافته ها، امکان ارائه نتایج برای برنامه ریزان سازمان های اجرایی کشور از جمله: وزارت علوم و بهداشت درمان، آموزش پزشکی، بنیاد ملی نخبگان و وزارت کار و امور اجتماعی، فراهم آید.

بدین ترتیب، سئوالات این پژوهش به قرار زیر است:

۱. ارزیابی پژوهش ها از نظر روش شناختی چگونه است؟
۲. پژوهش های انجام یافته از چه مبانی نظری و تجربی و مدل مفهومی در تحقیقات خود سود جسته اند و میزان ارتباط چارچوب های نظری آنها با موضوع اصلی به چه میزان است؟
۳. دلایل و عوامل موثر بر مهاجرت خارجی نخبگان از نظر این پژوهش ها کدام اند؟
۴. با توجه به تحقیقات انجام شده، چه موضوعات و محورهای تحقیقاتی برای حل معضل مهاجرت نخبگان برای پژوهش های آینده می توان ارائه داد؟
۵. چه راهکارها و پیشنهاداتی را به سازمان های ذیربط جهت پیشگیری از پدیده فرار مغزها می توان ارائه نمود؟

پیشینه پژوهش

تحقیقی با عنوان "فرا تحلیل مطالعات انجام شده در زمینه جذب نخبگان و پیشگیری از مهاجرت" آنان توسط غلامرضا ذاکر صالحی در سال ۱۳۸۴ انجام و نتایج آن در سال ۱۳۸۶ منتشر شده است.

هدف این فراتحلیل، بررسی نتایج کلی و کاربردی از طریق ترکیب منابع و مطالعاتی است که در داخل کشور در زمینه "جذب نخبگان و پیشگیری از فرار مغزها" صورت گرفته است.

این فراتحلیل که از طریق بررسی و ارزیابی ۴۸ اثر علمی مربوط به قبل از سال ۱۳۸۴ انجام شده، دو بعد روش شناختی و محتوایی را مدنظر قرار داده است. در بعد روش شناختی، نتایج نشان داد که مطالعات مورد بررسی در عین حال که انباشت خوبی از ایده های نظری و راهکارهای عملی را ارائه می کنند، دارای اشکالات و نواقص متعددی هستند؛ از جمله: عدم سازگاری بین اهداف، چارچوب نظری، روش تحقیق، نتایج و راهکارها، عدم استفاده از تکنیک های پیشرفته تجزیه و تحلیل و مناسب نبودن حجم نمونه.

از جنبه محتوایی نیز این فراتحلیل پس از آسیب شناسی مطالعات و مشخص کردن مشکلاتی چون: عدم تناسب نتایج با اهداف پژوهش، ضعف ارتباط و تناسب راهکارها با هدف تحقیق، در جستجوی تئوری مشترک و بنیادین تحقیق برآمد. در این بررسی مشخص شد ۳۹/۶ درصد طرح ها مبتنی بر تئوری جاذبه - دافعه و ۳۷/۴ درصد مبتنی بر آموزه های نظری مشابه و مرتبط با آن بوده اند. در درجه سوم ۱۶/۶ درصد آثار به سایر تئوری ها تاکید کرده اند که آنها نیز عمدتاً تعارضی با گروه اول و دوم نداشته و به دلیل وسعت و قابلیت فراگیری که تئوری جاذبه - دافعه دارد می توان از آموزه های آن ها چون مبحث "چرخش مغزها" به عنوان مکمل بهره گرفت.

در زمینه راهکارهای پیشنهادی، نتایج نشان داد که ۷۲ درصد از ۲۵۵ پیشنهاد ارائه شده، کلی و تنها ۲۸ درصد آنها ماهیت اجرایی دارند. منابع فرا تحلیل شده در این مطالعه مربوط به قبل از سال ۱۳۸۴ بوده و منابع منتشر شده در شش سال اخیر را پوشش نمی دهد. لذا تنها پیشینه ای که در ارتباط مستقیم با مطالعه حاضر بود، همین مطالعه ای بود که توضیح داده شد.

ادبیات نظری پژوهش

برای روشن شدن ابعاد مسئله مهاجرت نخبگان باید از الگوهای نظری مختلف کمک گرفت، زیرا فرار مغزها مسئله ای است که نمی توان شتاب زده با آن برخورد کرد و در تحقیقات کاربردی لازم است به مبانی نظری آن نیز توجه خاصی داشت. پدیده فرار مغزها دارای علل مختلفی است که در بخش مبانی نظری، نیازمند الگوهای نظری مختلفی برای تبیین علل آن می باشیم، زیرا در بررسی

یک واقعیت اجتماعی، نظریه واحدی نمی تواند تمامی ابعاد مسئله (فرار مغزها) را تبیین نماید و هر کدام از نظریات و رویکردهای نظری بعد یا ابعادی خاص از مسئله را شناسایی و تعیین می کنند.

نظریه نظام جهانی^۱: والرشتاین سرمایه داری تاریخی را به عنوان نظامی تعریف می کند که در آن انباشت بی انتهای سرمایه، هدف و غایت اقتصادی است و این سیاست اقتصادی به مبادله فرهنگی بین کشورهای پیرامون و مرکز می انجامد- این در حالی است که این مبادله ها برابر نیستند. در نتیجه این مبادله اقتصادی، جریان سرمایه خالص زیادی از کشورهای پیرامون به مرکز سرازیر می شود و فرایند فرار مغزها در واقع بخشی از فرایند کلی انباشت سرمایه از کشورهای پیرامون به مرکز محسوب می گردد. در نظریه نظام جهانی این تفاوت توسعه اقتصادی در کشورهای پیرامون و مرکز است که منجر به مهاجرت بین المللی می شود و این رابطه نامتقارن بین کشورهای مرکز و پیرامون به پیشرفت مرکز و پسرفت پیرامون می انجامد.

الگوی بین المللی و ملی: در ارتباط با مهاجرت بین المللی نیروی کار ماهر، دو الگوی بین المللی^۲ و ملی^۳ مطرح شده اند. الگوی بین المللی به وسیله جانسون^۴ (۱۹۶۵) مطرح شده است. وی فرار مغزها را تنها منعکس کننده عملکرد بازار بین المللی برای تولید یک عامل خاص- یعنی سرمایه انسانی- در نظر می گیرد. طبق نظر وی، سرمایه انسانی از مناطقی که دارای بازدهی پایین تر است، خارج می شود و به سمت مناطقی که دارای بازدهی بیشتر است جریان می یابد و انتقال تخصص هم برای کشور میزبان و هم برای کشور فرستنده، دارای سود دوطرفه است. هاری جانسون، گروبل و اسکات از طرفداران این الگو هستند. در مقابل این الگو، الگوی ملی قرار دارد. در این الگو سرمایه انسانی ماهر، جزء جدایی ناپذیر توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور است و مهاجرت سرمایه انسانی ماهر موجب می شود که اقتصاد کشورهای در حال توسعه به پایین تر از سطح حداقل مورد نیاز سرمایه انسانی ماهر تنزل کند و با ایجاد خلأ نیروی انسانی ماهر در کشور کاهش تولید به وجود آید و در نهایت، برنامه های توسعه ر به مخاطره افکنده شوند. طرفداران این الگو به ویژه پاتکین، ایتکین، تومان و گادفری معتقدند که مهاجرت نیروی انسانی ماهر به نفع پیشرفته ترین و ثروتمندترین کشورها و به زیان کشورهای جهان سوم است (عبداللهی، ۵، ۱۹۷۹).

نظریه ساختارگرایی مهاجرت: ریچموند^۶ (۱۹۹۳) مهاجرت را به صورت یک پیوستار بین مهاجرت فعال و واکنش پذیر در نظر می گیرد که همه خانواده ها در عین حفظ درجه ای از آزادی، از استراتژی

¹ World System

² International model

³ National model

⁴ Janson

⁵ Abdollahi

⁶ Richmond

فشار پیروی می‌کنند. وی یک نظریه ساختاری ارائه می‌کند که آزادی عمل در مهاجرت به وسیله ساختارهای اجتماعی که افراد در آن قرار دارند محدود می‌شود. این الگو، فرد را داخل ساختار اجتماعی که فرد به آن تعلق دارد، می‌بیند و مهاجرت، یک واکنش انفعالی به محیط سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی که در کنترل عامل کنشگر نیست تلقی می‌شود. ریت (۱۹۹۵) نیز الگوی خود را براساس تعیین کنندگی عامل کنشگر در ارتباط با ساختارهای اجتماعی متمایز می‌کند و دو الگوی نئوکلاسیک ساختاری و ساختاربندی را مطرح می‌کند. در مقابل این دیدگاه، دیدگاه فردگرایی صرف وجود دارد که بر نقش عامل کنشگر در مهاجرت تأکید دارد و بر این نظر است که عامل، یک تصمیم عقلانی را براساس ارزیابی از سود - زیان مهاجرت انتخاب می‌کند (غفوری و اکبری، ۱۳۷۸).

نظریه ساختاربندی: مدل ساختاربندی، مهاجرت را نتیجه تعامل افراد با ساختارهای اجتماعی که در آن جای دارند، در نظر می‌گیرد. در این دیدگاه، عاملان به عنوان موجوداتی خودآگاه و اعمال آن‌ها بازتولید کننده ساختارهایی است که بر آن‌ها تأثیر می‌گذارند. این ساختارهای اجتماعی نه تنها نقش بازدارنده‌ای بر اعمال فرد ندارند، بلکه آن‌ها را به انجام عملی قادر می‌سازند - در حالی که الگوهای ساختارگرایی و فردگرایی تبیین‌های متناقضی از رفتار مهاجرت دارند و اولی از نقش ساختارها و دومی از نقش عامل غفلت می‌کند. الگوی مبوکانج این دو الگو را به هم پیوند می‌دهد (کنجانسمی و همکاران ۱، ۲۰۰۷).

در نوع نگرش و جهت‌گیری شناختی و مدیریتی نسبت به خروج نیروی متخصص از کشورها، به طور کلی سه رویکرد اساسی ارائه شده است: رویکرد نخست، شکار مغزها^۲ است که یک رویکرد مارکسیستی محسوب می‌شود. در این رویکرد، روش تحلیل برون‌نگر، کششی مدار، یک سو نگر و تقلیل‌گراست و معتقد است که مهاجرت، فرایندی نیت‌مند و داوطلبانه نیست، بلکه پاسخی است که از محدودیت‌های شغلی و سکونت‌ناشی می‌شود. ماهیت تصمیم‌گیری، عقلانی نیست و ناشی از اثر تهدید و فشار سیاسی و اقتصادی است که این تهدیدات عمدتاً ریشه خارجی دارند. رویکرد دوم، فرار مغزهاست. در این رویکرد، مهاجرت متخصصان محصول نقش آفرینی و تعامل مستقیم و غیرمستقیم عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی است و این فرایند با فقدان نظام آموزشی و نبود سیاست کارآمد نیروی انسانی در کشور توسعه نیافته تقویت می‌شود (طایفی، ۱۳۸۰: ۸). پیامد این رویکرد، کندی رشد کشورهای فرستنده است. رویکرد سوم، چرخش مغزها^۳ است. در این رویکرد، مهاجرت ماهران به معنی سرمایه‌گذاری بالقوه است، نه از دست دادن آن‌ها و دانشمندان و تحصیل کرده‌ها که به خارج مهاجرت می‌کنند، به عنوان منابع انسانی آموزش یافته در

¹ Kangasniemi et al

² Hunting brain

³ Brain circulation

فعالیت های حرفه ای و در شرایط بهتر از آن چه که در کشور مبدأشان به آن ها ارائه می شده است مشغول اند. اگر کشور مبدأ بتواند از این منابع که به وسیله سرمایه های دیگران شکل گرفته و کامل شده، استفاده کند، نسبت به قبل چیزهای بیشتری به دست خواهد آورد.

نظریه جهانی شدن: الگوی دیگر، نظریه جهانی شدن است که می توان آن را به عنوان گسترش روابط اجتماعی در سطوح جهانی تعریف کرد. همان روابط که موقعیت های مکانی دور از هم را چنان به هم پیوند می دهد که هر رویداد محلی تحت تاثیر رویدادهای دیگری که کیلومترها با آن فاصله دارد، شکل می گیرد. جهانی شدن با فرایند نوگرایی هم زمان است و از این رو، آغاز آن به قرن شانزدهم بر می گردد. جهانی شدن، شامل فرایندهای نظامند کردن اقتصاد، روابط بین الملل در بین دولت ها و ظهور یک فرهنگ یا آگاهی جهانی است. این فرایند در طول زمان تشدید شده و در حال حاضر، در سریع ترین مرحله توسعه خود است. محمل آشکار این کار، جریان مهاجران اقتصادی از بخش های نسبتاً کم رونق به بخش های نسبتاً پررونق است. مهاجرت متخصصان به کشورهای توسعه یافته، بطور عام و به آمریکا، به طور خاص نتیجه افزایش تعامل جهانی و نابرابری جهانی پایدار میان ملت ها که هر دو بازتاب روند جهانی شدن هستند، می باشد. از یک طرف، با شدت گرفتن فرایند جهانی شدن، روابط بین کشورها بویژه بین جهان در حال توسعه و جهان توسعه یافته تقویت می شود و از طرف دیگر، این فرایند می تواند اختلاف کلی کشورها را از لحاظ توسعه یافتگی استمرار بخشد. گسترش ارتباطات جهانی و نابرابری میان کشورها، اختلافات موجود بین آنها و در نتیجه، مهاجرت متخصصان به کشورهای توسعه یافته و بویژه به ایالات متحده را توضیح می دهد (طیبی نیا، ۱۳۸۰).

نظریه جاذبه-دافعه^۱: براساس نظریه موبوگنج (۱۹۷۰) افراد اغلب تحت تاثیر عوامل جاذب نقاط مهاجرپذیر و عوامل دافع نقاط مهاجرفرست اقدام به مهاجرت می کنند. به عبارت دیگر، مطابق این نظریه، مجموعه ای از علل و عوامل محیطی اعم از درون مرزی و برون مرزی به عنوان علل کششی و رانشی، منجر به تغییر روند، گسترش و تداوم مهاجرت نیروهای متخصص از کشور می شوند (لهسائی زاده، ۱۳۶۸). اورت لی، نظریه خود را با ارائه تعریف وسیعی از مهاجرت شروع می کند و مهاجرت را تغییر دائمی یا تقریباً دائمی محل اقامت می داند و معتقد است که صرف نظر از کوتاهی یا دوری مسافت، سهولت یا صعوبت کار، هر عمل مهاجرت حاوی سلسله موانع دخالت کننده است. او چهار عامل را در مهاجرت نخبگان موثر می داند: الف) عوامل مرتبط با کشور مبدأ مهاجرت؛ ب) عوامل مرتبط با کشور مقصد مهاجرت؛ ج) موانع دخالت کننده؛ د) عوامل شخصی. او

^۱ Pull-push factors

معتقد است که هر یک از منطقه‌ها و کشورها دارای عوامل مثبت، منفی و خنثی هستند که مردم را از آن محل دور، جذب و یا بی تفاوت می‌کنند و اثر هر یک از این عوامل بنا بر شخصیت و خصوصیات فردی از جمله: سن، تحصیلات، سطح مهاجرت، جنس، نژاد و گروه‌های قومی متفاوت خواهد بود. بنابراین، مجموعه عوامل مثبت، منفی و خنثی برای افراد مختلف (هم در مبدأ و هم در مقصد) متفاوت خواهد بود. اما مجموعه عواملی وجود دارد که اکثر مردم نسبت به آنها واکنش یکسانی دارند؛ نظیر مزدهای بالاتر، فرصت‌های شغلی بیشتر، تسهیلات رفاهی بهتر، انتظارات و مخاطرات که از دیدگاه اورت لی نیز شناخت عوامل مثبت و منفی مقصد نیز به عنوان عنصر مهمی در فرایند مهاجرت محسوب می‌گردد و وجود تماس‌های مشخص خانوادگی و قومی در مقصد و چگونگی آن می‌تواند تاثیر مهمی در این شناخت بگذارد.

با استفاده از این نظریه، عوامل موثر رانشی و کششی را می‌توان به شرح زیر فهرست نمود (طایفی، ۱۳۸۰؛ سلجوقی، ۱۳۸۰؛ صالحی، ۱۳۷۱):

الف) عوامل رانشی که در برگیرنده مؤلفه‌های چون: شرایط نامطلوب اقتصادی، تحولات سیاسی، کم توجهی به امور پژوهشی و تحقیقی، رقابت پذیری پایین و عدم انطباق سطوح استانداردهای زندگی کشور با معیارهای جهانی، بحران اشتغال، پایین بودن دستمزدها در مقایسه با کشورهای توسعه یافته، رشد جمعیت کشور، ضعف سیستم آموزشی در دانشگاه‌ها، پایین بودن سطح تکنولوژی، عدم برنامه ریزی در جذب نخبگان، کاهش شأن و منزلت اجتماعی نخبگان و وضعیت اجتماعی زنان است.

ب) عوامل کششی که شامل مؤلفه‌های چون: افزایش سهمیه اتباع کشورهای آسیایی، امکانات صنعتی کشورهای پیشرفته، امید به آینده بهتر، دسترسی به فرصت‌های آموزشی بهتر، درآمد بالاتر، فعالیت‌های پژوهشی، جذابیت‌های زندگی مدرن، دسترسی آسان به فرصت‌های شغلی، میل به ثبات سیاسی، کاهش فاصله اطلاعاتی و جهانی شدن می‌باشد.

نظریه تضاد: در نظریه تضاد، پدیده مهاجرت را باید در چارچوب مفاهیم سرمایه داری جهان و توسعه نیافتگی جستجو نمود. از این منظر، مهاجرت از یک سو، معلول توسعه نابرابر و از سوی دیگر، عامل گسترش و تعمیق نابرابری در جامعه است. لذا تا زمانی که وضعیت نابرابر میان شهر و روستا و فقیر و غنی در کشورهای عقب مانده و توسعه نیافته از بین نرود، تقلیل یا به حداقل رساندن مهاجرت امکان پذیر نیست.

نظریه سرمایه انسانی: نظریه سرمایه انسانی که در دهه ۱۹۶۰ برای تحلیل مهاجرت به کار گرفته شد، از دیدگاه برخی تحلیل گران برای نیروی انسانی پرورده بسیار مناسب است. این نگرش با تلقی مهارت و تخصص انسان به عنوان کالایی در بازار عرضه و تقاضای کار، به تحلیل مهاجرت می پردازد. منظور آن است که نیروی انسانی پرورده مانند سرمایه مالی برای دستاوردهای بهتر از جایی به جای دیگری می رود تا بیشترین بازدهی را داشته باشند. بنابراین، تصمیم گیری افراد متخصص به کوچ، به مثابه نوعی تصمیم گیری برای سرمایه گذاری و بهره برداری از آن تلقی می شود (حسینی نژاد، ۱۳۸۲). اما این نگرش، مهارت انسانی را صرفاً به عنوان کالایی اقتصادی می انگارد و از تبیین جنبه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فرار مغزها باز می ماند. به ویژه این که مهاجرت را تنها در سطح جامعه شناسی خرد می نگرد و جنبه های کلان جامعه شناختی را مورد توجه قرار نمی دهد.

نظریه انتقال معکوس فناوری: نگرش دیگر، تلقی فرار مغزها به مثابه «انتقال معکوس فناوری»^۱ است. تحلیل گران آنکتاد (کنفرانس بازرگانی و توسعه سازمان ملل متحد) در سال ۱۹۷۴ قضیه فرار مغزها را بصورت پارادایم «انتقال معکوس فناوری» بازشناسی کردند. روشن است که منظور کارشناسان سازمان ملل متحد این است که کشورهای پیشرفته صنعتی در برابر دستگاه های ماشینی و کالاهای فنی که کشورهای جهان سوم می فروشند، گرانبهاترین پاداشی که بدست می آورند مغزهای پرورده و نیروهای ماهر این کشورها است. این فرضیه در حالی که نقادانه و واقع بینانه به نظر می رسد و گوشه چشمی به روابط نابرابر و غیرعادی کشورهای ثروتمند با کشورهای کمتر توسعه یافته دارد و بطور مستقیم بر پیچیده تر شدن محرومیت کشورهای فرستنده نیروی انسانی آزموده توجه می کند، نمی تواند تبیین کننده همه الگوهای فرار مغزها باشد که اکنون در جهان جریان دارد.

تئوری های یاد شده، برخی از مهم ترین تئوری ها در تبیین مهاجرت نخبگان هستند. ارائه این تئوری ها در کنار یکدیگر می تواند امکان تلفیق و ترکیب عناصر و مفاهیم سازگار آنان را فراهم نموده و ما را در دستیابی به یک نظریه جامع تر یاری رساند.

یکی از اهداف مطالعه حاضر نیز این است که میزان استفاده و سهم هر یک از تئوری ها را در نمونه های تحقیق - مطالعات بررسی شده در تحقیق حاضر - مورد بررسی قرار دهد. به عبارتی، تئوری های یاد شده، چه وزنی در تبیین مهاجرت نخبگان دارند و کدام یک از تئوری ها مورد استفاده بیشتری قرار گرفته اند؟ کدام تئوری از قدرت تبیین بالاتری نسبت به سایر تئوری ها برخوردارند؟

¹ Revers Transfer Technology

روش شناسی پژوهش

این مقاله، نوعی مطالعه مروری است. به طور کلی، دو دسته مقاله مروری وجود دارد: "مرور نقلی" ۱ و "مرور سیستماتیک" ۲. "مرور نقلی" روشی سنتی است و با توجه به اینکه یک فرایند ذهنی است، مستعد خطا و تورش می باشد و فقط در مواردی که شواهد و داده‌های محدودی موجود باشد، ارزشمند خواهد بود. در مرور سیستماتیک، با شناسایی دقیق، منظم و برنامه ریزی شده تمام مطالعات مرتبط می توان نقد عینی تری انجام داد و به مشکلات مربوط به مرور نقلی فائق آمد. روش مورد استفاده شده در مقاله حاضر، از نوع مرور سیستماتیک می باشد.

آنچه مرور سیستماتیک را ارزشمند می سازد، آن است که به یک توان بالا از برآورد مورد نظر می رسیم، زیرا بسیاری از مطالعات به علل گوناگون (مثلا حجم نمونه ناکافی) از قدرت تفسیر مناسبی برخوردار نیستند؛ اما مرور سیستماتیک و متاآنالیزی که اغلب متعاقب آن انجام می شود، با ترکیب کردن مطالعات به حجم نمونه بالاتری می رسد و لذا می تواند با توان بالاتری آنها را بررسی کند و در نهایت، نتیجه گیری بهتری ارائه دهد.

در این مطالعه، تحقیقات انجام شده در حوزه مهاجرت نخبگان در ایران بررسی و اطلاعات مورد نیاز در دسته بندی موضوعی، روش شناسی یافته‌ها و پیشنهادها و راهکارها ارائه شده مورد فراتحلیل قرار گرفت. قبل از مطالعه و بررسی متون، ابتدا کاربرگی بر اساس اهداف تحقیق طراحی شد که پس از آموزش نحوه تکمیل آن، فرم در اختیار تیم پژوهشی جهت استخراج داده های مورد نیاز از منابع مورد نظر قرار گرفت. در مطالعات اسنادی، اصولا فیش برداری از اسناد و مدارک مکتوب شیوه اصلی جمع آوری اطلاعات محسوب می شود، اما در مطالعات فراتحلیل از آنجا که چارچوب و نحوه استخراج مطالب از قبل طراحی می شود، بنابراین فیش برداری با استفاده از فیش‌ها یا فرم‌های از قبل طراحی شده انجام می شود. در تحقیق حاضر نیز براساس معیارهای مورد نظر در فراتحلیل و نیز سوالات و اهداف تحقیق، یک فرم جمع آوری اطلاعات تهیه و تدوین شد و اطلاعات مورد نظر با استفاده از آن جمع آوری شدند. اما فراتحلیل مورد استفاده در تحقیق حاضر از نوع کیفی است. از جمله دلایل انجام تحقیق حاضر در قالب فراتحلیل به صورت کیفی عبارت بودند از:

- کمبود پیشینه تحقیقات کمی در مورد مهاجرت نخبگان در ایران که این موضوع به علت نو بودن بحث در حوزه تحقیقات در ایران می باشد؛

1 -Narrative Review
2 -Systematic Review

- نبود مطالعات و پیمایش های طولی در سطح ملی و یا منطقه ای و محلی درباره مهاجرت نخبگان؛

- مشکل اعتبار در زمینه اندازه گیری، نمونه گیری و اعتبار آماری پژوهش ها و قابلیت اعتماد این گونه مطالعات؛

- تفاوت در سطح تحلیل خرد، میانه و کلان که با توجه به کمبود تحقیقات در این زمینه در ایران، کار مقایسه مشکل می گردد؛

- ضعف پژوهش هایی که در ایران به این موضوع پرداخته شده در زمینه مبانی نظری، ادبیات تجربی، جزئیات روشی و آماری مانند بحث خطاها، فرضیات آماری، درجات آزادی، سطوح معناداری، آزمون های موازی و در نهایت، عدم انسجام اجزای مختلف تحقیق و عدم حمایت آنان از یکدیگر.

جامعه آماری و نمونه تحقیق

میدان مطالعه و جامعه آماری تحقیق، پایان نامه های تحصیلی مقاطع تحصیلات تکمیلی، طرح های پژوهشی و مقالات علمی پژوهشی نوشته شده در زمینه مهاجرت نخبگان می باشند. در بررسی مقدماتی، بیش از ۸۰ عنوان اثر در زمینه مهاجرت نخبگان شناسایی شد که در این میان ۶ پروژه، ۲۸ پایان نامه، ۲۷ مقاله و ۷ کتاب که براساس شاخص هایی چون: زمان انجام اثر، جامعه شناسی بودن موضوع، مقاطع تحصیلی و رعایت حداقلی از قواعد روش شناسانه (همچون روایی و پایایی مناسب، روش نمونه گیری و روش آماری صحیح، فرضیه ها و سوال های مناسب با موضوع پژوهش) چارچوب لازم برای بازنگری را دارا بودند، گزینش نهایی شدند.

ابزار جمع آوری داده ها

برای گردآوری داده های پژوهش، از چک لیست گزینش طرح های پژوهشی از طریق ساخت کاربرگ فراتحلیلی استفاده شد. طرح های پژوهشی براساس این چک لیست که شامل مولفه های روش شناختی پژوهش مانند پرسش ها، فرضیه ها، اهداف، جامعه آماری، نمونه گیری، روش پژوهش، روش آماری، روایی و پایایی است، برای فراتحلیل انتخاب شدند. با استفاده از این کاربرگ، هر طرح کدگذاری و در برگیرنده موارد زیر شد:

شماره سند، عنوان اثر، محقق و نویسنده، زمان انجام، مکان انجام، نوع اثر، ماهیت پروژه، نوع تحقیق، قلمرو رشته ای اثر، نوع تحقیق از نظر روش جمع آوری داده ها، چکیده، طرح مسئله، کلید واژه ها، اهداف تحقیق، فرضیات تحقیق، ادبیات تحقیق، مبانی نظری، مدل علی تحقیق، روش تحقیق، ابزار

جمع آوری داده ها، روایی، پایایی، حجم نمونه، روش نمونه گیری، آزمون های آماری، شیوه تحلیل داده ها، نتیجه گیری، راهکار، پیشنهادات، فهرست منابع فارسی و فهرست منابع لاتین.

یافته های پژوهش

بررسی مولفه های شکلی و روش شناسی

معرفی قالب آثار علمی

در اولین بخش تحلیل داده ها، لازم است تا آثار بررسی شده در تحقیق حاضر در چهار قالب طرح های پژوهشی، پایان نامه های تحصیلی، کتب و مقالات معتبر علمی که در نشریات علمی-پژوهشی چاپ شده بودند، معرفی شوند.

براساس نتایج تحقیق، از مجموع ۶۸ اثر بررسی شده، ۶ عنوان طرح پژوهشی، ۲۸ عنوان پایان نامه های تحصیلی در مقاطع تحصیلات تکمیلی، ۲۷ عنوان مقالات علمی و ۷ عنوان کتاب بودند. به عبارتی، ۸٫۸ درصد طرح پژوهشی، ۴۱٫۲ درصد پایان نامه، ۳۹٫۷ درصد مقالات و ۱۰٫۳ درصد نیز کتاب های مربوط به مهاجرت نخبگان بودند. با توجه به آمار فوق، حجم قابل قبولی از مطالعات در ارتباط با مهاجرت نخبگان انجام شده که ضرورت انجام فراتحلیل حاضر، بیش از پیش احساس می شد.

پراکندگی هدف های کلان آثار علمی

با توجه به تنوع و گستردگی موضوعات مورد بررسی در ارتباط با مهاجرت نخبگان، طبیعتاً محققان نیز اهداف مختلفی را متناسب با موضوع دنبال کرده اند. براساس داده های پژوهش، بیش از نیمی از مطالعات انجام شده در حوزه مهاجرت نخبگان، فقط در بخش توصیف بوده که محققان بدنبال بررسی پدیده مهاجرت نخبگان، نگرش و گرایش آنها به خروج از کشور، توصیف روند مهاجرت و بررسی دوره های اعزام نخبگان بوده اند. ۱۶٫۲ درصد به بررسی متغیرهای تاثیر گذار بر مهاجرت نخبگان و شناخت علت های مهاجرت، ۱۶٫۲ درصد در ارتباط با پیشگیری از مهاجرت و راهکارهای جذب، ۳ درصد به بررسی پیامدها و تبعات خروج نخبگان و تنها - متاسفانه - یک درصد به بررسی آسیب شناسی مهاجرت نخبگان پرداخته که آن هم در سطح رساله تحصیلی بوده است و مطالعه تطبیقی که به بررسی تجربیات سایر کشورها به ویژه کشورهایی که همانند کشور ما، با مسئله مهاجرت نخبگان مواجه اند، مشاهده نشد.

سطوح بررسی موضوع مهاجرت نخبگان در آثار مربوطه به تفکیک در سطوح کلان، میانه و

خرد

در این بخش، هدف این بوده که سطوح بررسی اهداف کلان مطالعات را به تفکیک در سطح کلان- به عنوان مثال، بررسی اثرات جهانی شدن بر فرار مغزها در کشورهای جهان سوم- سطح میانه- به عنوان مثال، نقش وزارت امور خارجه در سامان دهی امور دانشجویان ایرانی خارج از کشور و سطح خرد- بررسی گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور تفکیک نماییم تا از این طریق، خلا موضوعات انجام شده در حوزه مهاجرت نخبگان، بهتر شناسایی شود و بتوان برای تحقیقات آینده موضوعات کاربردی تر و جدیدتری را پیشنهاد داد. بدین ترتیب، داده های پژوهش نشان می دهد که ۷۵ درصد مطالعات انجام شده، موضوع مهاجرت نخبگان را در سطح کلان، ۱۴,۷ درصد در سطح میانه و تنها ۱۰ درصد مسئله یاد شده را در سطح خرد بررسی نموده اند.

قلمرو رشته ای آثار علمی

از آنجا که موضوع مهاجرت نخبگان و ابعاد مرتبط با آن می تواند تحت تاثیر متغیرهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باشد، آثار موجود هم در حوزه های مختلف می باشند. براساس یافته های به دست آمده از فراتحلیل حاضر، ۳۲,۲ درصد پژوهش ها در زمینه جامعه شناسی، ۲۲,۱ درصد در زمینه مدیریت، ۱۹,۱ درصد "میان رشته ای"، ۸,۸ درصد در حوزه اقتصاد، ۷,۴ درصد در حوزه علوم تربیتی و روان شناسی، ۱,۵ درصد در حوزه علوم پزشکی، ۱,۵ درصد در حوزه فلسفه، ۱,۵ درصد در حوزه حقوق و ۱,۵ درصد نیز در حوزه جغرافیا بوده است.

روش تحقیق آثار

روش پژوهش غالب مورد استفاده در آثار بررسی شده، روش اسنادی و کتابخانه ای بوده (۴۸,۵ درصد) که البته بیشتر در مقالات و کتاب ها این روش مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین، روش پیمایشی با فراوانی ۳۰,۹ درصد دومین روش پرکاربرد در آثار مورد بررسی بوده که بیشتر در طرح های پژوهشی و پایان نامه ها به کار گرفته شده است. تحلیل ثانویه آماری با ۵,۸ درصد، تحلیل محتوا، فراتحلیل و روش کیفی هر کدام با ۱,۵ درصد از جمله روش های دیگر پژوهش در مطالعات انجام شده بودند.

میدان مطالعه، تکنیک جمع آوری اطلاعات و تکنیک تجزیه و تحلیل داده ها در آثار مورد

بررسی

براساس داده های به دست آمده از پژوهش، ۶۴,۷ درصد ۱ پژوهش ها (پایان نامه ها و طرح های پژوهشی) از ابزار پرسشنامه برای جمع آوری داده های تحقیق استفاده نموده اند. ۱۷,۶ درصد از

^۱- توضیح اینکه در برخی از مطالعات اسنادی، محققان برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه (چک لیست) استفاده نموده اند.

داده های خام (بررسی آماری)، ۸,۹ درصد فیش برداری و ۲,۹ درصد از کاربرد فراتحلیلی استفاده نموده اند. ۵,۹ درصد پژوهش ها نیز ابزار جمع آوری داده ها را مشخص نکرده بودند. ضمن اینکه برخی پژوهش ها، اشاره به استفاده همزمان از پرسشنامه، مصاحبه و فیش برداری داشتند.

در بررسی تکنیک های تجزیه و تحلیل داده ها، با توجه به تقسیم بندی آزمون های آماری به توصیفی و تبیینی، تکنیک های تجزیه و تحلیل هم در دو بخش کلی توصیف و تبیین در نظر گرفته شدند. ۲۰,۷ درصد مطالعات از شاخص های آماری در بخش توصیف (فراوانی، درصد، نما، میانگین، انحراف معیار و واریانس) استفاده نموده اند. ۴۹,۸ درصد از آماره های استنباطی مانند آزمون فی، کای اسکوتر، تاو کندانال، تحلیل واریانس یک طرفه، رگرسیون ساده، تفاوت میانگین ها و ضریب پیرسون استفاده شده بود. تنها در ۱۱,۸ آثار، از آزمون های آماری پیشرفته تر همچون رگرسیون چند متغیره، تحلیل مسیر و مدل معادلات ساختاری استفاده شده است.

بررسی وضعیت فرضیه ها در آثار بررسی شده

با توجه به نتایج تحقیق، از مجموع ۶۸ اثر، ۲۴ اثر (۳۵,۳ درصد) فاقد فرضیه بوده اند که اهتمام کم محققان را به داشتن فرضیه در پژوهش ها نشان می دهد. ۴۴ اثر (۶۴,۷ درصد) نیز دارای فرضیه بوده اند. از بین ۴۴ اثری که دارای فرضیه بوده اند، مجموع ۱۲۶ فرضیه بدست آمد که میانگین ۲,۸ فرضیه برای هر تحقیق بوده است. حداقل فرضیه ۱ و حداکثر فرضیه ۲۰ تا بوده است. نکته قابل توجه در بخش فرضیه ها این بود که بیش از ۷۰ درصد فرضیه ها، اثبات شده اند.

بررسی جنبه های محتوایی

در بخش دوم تحلیل داده ها، جنبه های محتوایی فراتحلیل کیفی که در آن چهار مولفه همخوانی نتایج با اهداف و فرضیات، مبانی نظری، متغیرهای تاثیرگذار بر مهاجرت نخبگان و راهکارها مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

میزان همخوانی نتایج با اهداف و فرضیات تحقیق

معمولا محققان در بیان اهداف گرفتار عبارات کلی و پرجاذبه ای می شوند که در عمل چارچوب ها و محدودیت های تحقیق، اجازه نیل به آن اهداف را نمی دهد (ذاکرسالحي، ۱۳۸۶: ۱۲۶). بیان چنین اهداف کلی و دست نیافتنی، موجب عدم سازگاری نتایج و سایر اجزای تحقیق با هدف تحقیق شده و به اعتبار و انسجام پژوهش لطمه می زند. در آثار بررسی شده، در ۲۸ درصد موارد این اشکال اساسی به چشم می خورد. به عبارتی، نتایج پژوهش متناسب با اهداف و فرضیات نمی باشد.

بررسی مبانی نظری آثار علمی

در بررسی آثار مشخص شد که مبانی نظری برخی پژوهش‌ها بسیار از هم گسیخته و مبهم بودند که به سختی می‌توان تشخیص داد که دقیقاً از کدام تئوری استفاده نموده‌اند. لذا بصورت شفاف به تئوری خاصی اشاره نکرده‌اند. برخی آثار به صورت ترکیبی، از بیش از یک نظریه استفاده نموده‌اند و برخی آثار نیز فاقد تئوری بودند که ۸,۳۴ درصد کل آثار را شامل می‌شد.

برای تبیین علت‌های مهاجرت نخبگان، نظریه‌های مختلفی در پژوهش‌های بررسی شده مورد استفاده قرار گرفته‌اند. نظریه سرمایه انسانی، انتقال معکوس فناوری، دوگانگی ساختار، محرومیت نسبی، مرکز پیرامون، بازار کار دوگانه، نظریه تحصیل مغزها، نظریه چرخش مغزها، نظریه شکار مغزها، نظریه اجتماعات پژوهشی، جهانی شدن، نظریه نظام آموزشی اقتباسی، نظریه بحران منزلت، نظریه جاذبه - دافعه، نظریه اقتصادی نئوکلاسیک، بازار دوگانه کار، اقتصاد جدید مهاجرت، نظام جهانی و تداوم مهاجرت بین‌المللی، از جمله نظریه‌هایی بودند که در پژوهش‌های بررسی شده مورد استفاده قرار گرفته بودند. براساس مطالعه قبلی نظریه "جاذبه-دافعه" نظریه محوری بوده و به دلیل فراگیری و شمولی که دارد می‌تواند همه نظریات یاد شده را در خود جای دهد (ذاکر صالحی، ۱۳۸۶: ۱۲۰). در دسته بندی نظریه‌ها و مباحث تئوری در پژوهش‌های بررسی شده، پی می‌بریم که چه نوع تئوری‌هایی بیشتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند و چه تئوری‌هایی از سهم کمتری برخوردار بوده‌اند و اینکه آیا این پژوهش‌ها توانسته‌اند وظیفه به‌آزمون کشیدن نظریه‌های مربوطه به مهاجرت نخبگان را عهده دار شوند و نتیجه آزمون چه بوده است؟

براین اساس و با توجه به جدول ۱، پژوهش‌هایی که دارای مبانی نظری بوده‌اند، بدین گونه تقسیم بندی شدند:

جدول ۱: توزیع نظریه‌هایی تبیین کننده مهاجرت نخبگان در آثار بررسی شده

ردیف	مبانی نظری آثار	فراوانی	درصد
۱	تئوری کشش و رانش	۱۲	۱۸,۴
۲	نظریه جهانی شدن	۶	۹,۲
۳	مدل ملی گرا	۵	۷,۷
۴	مدیریت منابع انسانی	۴	۶,۱
۵	نظریه نظام جهانی والراشتاین	۴	۶,۱
۶	چرخش مغزها	۳	۴,۶
۷	مدل عاملیت ساختار آنتونی گیدنز	۳	۴,۶
۸	نظریه نئوکلاسیک مهاجرت	۲	۳
۹	نظریه‌های انگیزشی و رضایت شغلی	۲	۳

۳	۲	نظریه بازار کار دوگانه	۱۰
۱,۵	۱	نظریه نیازها و انگیزش	۱۱
۱,۵	۱	نظریه ساختارگرا	۱۲
۱,۵	۱	نظریه کنش ارتباطی	۱۳
۱,۵	۱	الگوی جهان گرا یا بین المللی	۱۴
۱,۵	۱	نیاز کشورهای مقصد	۱۵
۱,۵	۱	نابرابری آموزشی	۱۶
۱,۵	۱	رویکرد مبتنی بر عینی و ذهنی	۱۸
۱,۵	۱	رویکرد مبتنی بر عام گرایی و خاص گرایی	۱۹
۱,۵	۱	نظریه اقتصاد جدید مهاجرت	۲۰
۱,۵	۱	نظریه شبکه	۲۱
۱,۵	۱	تئوری وابستگی	۲۲
۱,۵	۱	نظریه سرمایه انسانی	۲۳
۱,۵	۱	نظریه سرمایه اجتماعی	۲۴
۱,۵	۱	نظریه انتقال معکوس فناوری	۲۵
۱,۵	۱	نظریه محرومیت نسبی	۲۶
۱,۵	۱	نظریه مرکز پیرامون	۲۷
۱,۵	۱	نظریه تحصیل مغزها	۲۸
۱,۵	۱	نظریه شکار مغزها	۲۹
۱,۵	۱	نظریه اجتماعات پژوهشی	۳۰
۱,۵	۱	نظریه نظام آموزشی اقتباسی	۳۱
۱,۵	۱	نظریه بحران منزلتی	۳۲
۶	۴	سایر (فاقد نظریه)	۳۴
۱۰۰	۶۸	جمع کل	۳۳

بررسی متغیرهای تاثیر گذار بر مهاجرت نخبگان

همانطور که در جدول ۲ مشخص است، در بررسی متغیرهای تاثیر گذار بر مهاجرت نخبگان می توان این متغیرها و عوامل را در سه گروه عوامل مربوط به مقصد، عوامل واسطه ای و عوامل مربوط به مبدا تقسیم کرد:

جدول ۲: توزیع متغیرهایی تاثیر گذار بر مهاجرت نخبگان در آثار بررسی شده

ردیف	عامل	متغیرها	فراوانی	درصد
۱	عامل مقصد	کسب درآمد بیشتر	۱۰	۸,۵
۲		دسترسی به امکانات آموزشی بهتر	۸	۶,۸
۳		جاذبه های کشور مقصد	۸	۶,۸
۴		رفاه و امکانات زندگی بیشتر	۷	۵,۹
۵		نیاز کشورهای خارجی به نخبگان	۶	۵,۱
۶		تامین آتیه خود و فرزندان	۶	۵,۱
۷		فرصت های فرهنگی بهتر	۶	۵,۱
۸		فرصت های مطالعاتی	۵	۴,۲
۹		تسهیل قوانین مهاجرت	۴	۳,۴
۱۰		زمینه برای تحصیلات فرزندان	۴	۳,۴
	جمع		۶۴	۵۴/۲
۱	عامل واسطه‌ای	جهانی شدن	۴	۳,۴
۲		ارتباطات اجتماعی و فرهنگی با خارج	۳	۲,۵
۳		روابط نامتقارن	۳	۲,۵
۴		ویژگی های فردی و خانوادگی	۳	۲,۵
۵		بحران هویت	۳	۲,۵
	جمع		۱۶	۱۳/۶
۱	عامل مبدا	ناکارآمدی ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی	۲	۱,۷
۲		بوروکراسی ناسالم	۲	۱,۷
۳		ضعف بنیانهای دموکراسی	۲	۱,۷
۴		بی ثباتی سیاسی	۲	۱,۷
۵		بیکاری	۲	۱,۷
۶		توسعه نیافتگی کشور مبدا	۲	۱,۷
۷		نبود امنیت(مالی، جانی و شغلی)	۲	۱,۷
۸		نبود رضایت شغلی و فرصت پیشرفت	۲	۱,۷
۹		فضای نامناسب اجتماعی برای نخبگان	۲	۱,۷
۱۰		بی ثباتی اقتصادی	۲	۱,۷
۱۱		نابرابری اقتصادی	۲	۱,۷
۱۲		ضعف نهادهای پژوهشی	۱	۰,۸
۱۳		دولتی بودن پژوهش	۱	۰,۸
۱۴		عدم شایسته سالاری	۱	۰,۸
۱۵		ضعف نهاد علم در ایران	۱	۰,۸
۱۶		بهره وری ناکافی از نخبگان	۱	۰,۸
۱۷		ناکافی بودن اعتبارات پژوهشی	۱	۰,۸
۱۸		ناعادلانه بودن گزینش نخبگان	۱	۰,۸
۱۹		اتلاف مغزها	۱	۰,۸
۲۰		کاهش منزلت اجتماعی دانشمندان	۱	۰,۸
۲۱		بی عدالتی در اخذ مالیات	۱	۰,۸
۲۲		شرایط بد بازار کار	۱	۰,۸

۰٫۸	۱	فقدان تسهیلات مناسب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	۲۳
۰٫۸	۱	فراهم نبودن زمینه فعالیت در رشته تحصیلی	۲۴
۰٫۸	۱	پائین بودن نرخ رشد سرانه کشور	۲۵
۰٫۸	۱	قوانین دست و پاگیر برای نخبگان	۲۶
۰٫۸	۱	بازدهی پائین سرمایه در کشور مبدا	۲۷
۳۲/۲	۳۸		جمع
۱۰۰	۱۱۸		جمع کل

با توجه نتایج بیان شده در جدول، متغیرهای مربوط به عامل مقصد یعنی جاذبه ها و قابلیت های کشورهای مهاجرپذیر با ۵۴/۲ درصد مهم ترین عامل تاثیر گذار بر مهاجرت نخبگان بوده است. در مرحله دوم، دو متغیر عوامل مربوط به کشور مبدا یعنی عوامل رانش جمعاً با ۳۲/۲ درصد قرار دارند. در رتبه سوم، عوامل واسطه ای مانند تحولات جهانی یا عوامل فردی و خانوادگی با ۱۳/۶ درصد قرار دارند. بنابراین با توجه به عوامل بیان شده می توان گفت که متغیرهای زیادی بر مهاجرت نخبگان موثر بوده اند که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

کسب درآمد بیشتر، دسترسی به امکانات آموزشی بهتر، جاذبه های کشورهای مقصد، ناکارآمدی ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، رفاه و امکانات بیشتر زندگی، بوروکراسی ناسالم، ضعف بنیانهای دموکراسی، بی ثباتی سیاسی، جهانی شدن، توسعه نیافتگی کشور مبدا، نبود امنیت(مالی، جانی و شغلی)، ارتباطات اجتماعی و فرهنگی با خارج، نبود رضایت شغلی و فرصت پیشرفت، روابط نامتقارن، فضای نامناسب اجتماعی برای نخبگان و برخورد بد با آنها، بی ثباتی اقتصادی، نابرابری اقتصادی، نیاز کشورهای خارجی به نخبگان، ضعف نهادهای پژوهشی، دولتی بودن پژوهش، تامین آتیه خود و فرزندان، ویژگی های فردی و خانوادگی، عدم شایسته سالاری، ضعف نهاد علم در ایران، بهره وری ناکافی از نخبگان، بحران هویت، فرصت های فرهنگی بهتر، فرصت های مطالعاتی، تسهیل قوانین مهاجرت، ناکافی بودن اعتبارات پژوهشی، ناعادلانه بودن گزینش نخبگان، اتلاف مغزها، کاهش منزلت اجتماعی دانشمندان، بی عدالتی در اخذ مالیات، شرایط بد بازار کار، فقدان تسهیلات مناسب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، زمینه برای تحصیلات فرزندان، فراهم نبودن زمینه فعالیت در رشته تحصیلی، پائین بودن نرخ رشد سرانه کشور، قوانین دست و پاگیر برای نخبگان و بازدهی پائین سرمایه در کشور مبدا

پیشنهادات و راهکارهای آثار مورد بررسی جهت پیشگیری و کاهش مهاجرت نخبگان

هم اکنون آمار دقیقی از ایرانیان خارج از کشور، محل زندگی و تجمیع آن ها و تخصص های آن ها وجود ندارد تا بتوان با آنها ارتباط برقرار کرد. وجود یک بانک اطلاعاتی روزآمد می تواند ضعف

کنونی اطلاعات را که مانع هرگونه تحلیل جامع در این مورد می شود، برطرف کند. برای ایجاد این بستر می توان از زیربناهای جامعه اطلاعاتی بهره جست. به عنوان نمونه، ساده ترین راه در این مسیر، راه اندازی یک شبکه اجتماعی مجازی است که اخبار و اطلاعات در این زمینه را رد و بدل کند. در این شبکه افراد می توانند گمنام باشند، اما هدف تبادل اطلاعات پیرامون موضوع نخبگان باشد. هنگام تشکیل این بانک اطلاعاتی ایده های دیگری نیز می توان دنبال نمود. به عنوان نمونه، طراحی یک وب سایت برای برقراری ارتباط با ایرانیان خارج از کشور و برگزاری اجلاس های مجازی با استفاده از توان ایرانیان خارج از کشور از دیگر اقداماتی می تواند باشد که در چارچوب این بانک اطلاعاتی و سایر فرصت های ایجاد شده در فضای مجازی می توان از آن ها بهره جست.

عدم انگیزه کار در حوزه تحقیق، توجه ناکافی به تخصص گرایی، نظام حقوق و مزایای بسیار ناکافی و ناکارآمد، بودجه های اندک پژوهشی، ارتباط ضعیف متخصصان با مراکز علمی - تحقیقاتی خارج از کشور و عوامل بی شمار دیگر جزو این عوامل دافعه هستند. اما این راه حل نیز جز با صرف وقت زیاد و هزینه های سنگین عملی نخواهد بود و چون جریان توسعه جریانی به سرعت پیش رونده است، عاقلانه ترین راه استفاده از کوتاهترین راه است. بنابراین می توان گفت که گزینه بازگشت، گزینه مناسبی به نظر نمی رسد و از طرفی نیازمند عزمی ملی و همه جانبه است. اما راه دومی نیز وجود دارد و آن هم تجهیز این متخصصان از راه دور و همکاری با آنها برای توسعه کشور است.

پیشنهادات ارائه شده در دو استراتژی جداگانه حفظ نیروی کار ماهر و بازیافت نیروی کار ماهر ارائه شده است که استراتژی اول، فقط گزینه استخدام نخبگان در بخش کلیدی، توسعه امکانات پژوهشی امکانات رفاهی و تعمیق دموکراسی را در بر می گیرد و در استراتژی بازیافت، از دو گزینه بازگشت و برقراری ارتباط میان نخبگان سخن به میان آمده است:

۱- استراتژی حفظ نیروی کار ماهر که در برگیرنده چهار بعد اصلی استخدام مغزها در بخش های کلیدی کشور، تامین امکانات رفاهی - اقتصادی مناسب، فراهم نمودن امکانات پژوهشی و بهینه سازی سیستم آموزش کشور در راستای توسعه فرهنگی، ایجاد فضای فکری باز و نقاد می باشد.

۲- استراتژی بازیافت که در برگیرنده دو بعد اصلی است: اول، گزینه بازگشت که راهکار دست یابی به این مسئله عملی کردن مورد قبل است؛ دوم، گزینه ارتباط که بر اساس آن لازم است با شناسایی و ایجاد پیوند با این افراد از طریق شبکه های ارتباطی از این گونه افراد در جهت رشد و توسعه کشور بهره برد.

بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی اجرای مرور سیستماتیک حاضر، بررسی تحقیقات انجام شده در زمینه مهاجرت‌های خارجی نخبگان و ارائه پیشنهادات جهت برنامه‌ریزی و مقابله با پدیده فرار مغزها بود. در این فرایند پژوهشی با استفاده از مرور سیستماتیک به روش کیفی، به دسته بندی موضوعات مطالعه شده، بررسی روش های بکار گرفته، طبقه بندی و تحلیل یافته های این تحقیقات از نظر وضعیت موجود و علل و پیامدها پرداخته شده است.

روشی اصلی در این طرح، مطالعه اسنادی از نوع تحلیل محتوای متون است. در این مطالعه تحقیقات انجام شده در حوزه مهاجرت نخبگان در ایران بررسی و داده های مورد نیاز در دسته بندی موضوعی، روش شناسی یافته‌ها و پیشنهادها و راهکارها ارائه و مورد فراتحلیل قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان داد که بیش از نیمی از مطالعات انجام شده در حوزه مهاجرت نخبگان، فقط در بخش توصیف بوده که محققان بدنبال بررسی پدیده مهاجرت نخبگان، نگرش و گرایش آنها به خروج از کشور، توصیف روند مهاجرت و بررسی دوره های اعزام نخبگان پرداخته اند. ۱۶,۲ درصد به بررسی متغیرهای تاثیر گذار بر مهاجرت نخبگان و شناخت علت های مهاجرت، ۱۶,۲ درصد در ارتباط با پیشگیری از مهاجرت و راهکارهای جذب، ۳ درصد به بررسی پیامدها و تبعات خروج نخبگان و تنها یک درصد به بررسی آسیب شناسی مهاجرت نخبگان پرداخته شده که آن هم در سطح رساله تحصیلی بوده است.

برای تبیین علت های مهاجرت نخبگان، نظریه های مختلفی در پژوهش های بررسی شده مورد استفاده قرار گرفته اند: نظریه سرمایه انسانی، انتقال معکوس فناوری، دوگانگی ساختار، محرومیت نسبی، مرکز پیرامون، بازار کار دوگانه، نظریه تحصیل مغزها، نظریه چرخه مغزها، نظریه شکار مغزها، نظریه اجتماعات پژوهشی، جهانی شدن، نظریه نظام آموزشی اقتباسی، نظریه بحران منزلت، نظریه جاذبه - دافعه، نظریه اقتصادی نئوکلاسیک، بازار دوگانه کار، اقتصاد جدید مهاجرت، نظام جهانی و تداوم مهاجرت بین المللی که نظریه "جاذبه-دافعه" بیشترین کاربرد را در مبانی نظری آثار در تبیین علل مهاجرت نخبگان داراست.

با توجه به نتایج فراتحلیل، متغیر "کسب درآمد بیشتر" با ۸,۵ درصد مهم ترین عامل تاثیر گذار بر مهاجرت نخبگان در بین مطالعات انجام شده بوده است. فراتحلیل حاضر که نقدی است بر پژوهش های انجام شده در حوزه مهاجرت نخبگان، ضمن بازبینی پژوهش های انجام شده در حوزه مهاجرت نخبگان، نشان داد که پژوهش در این زمینه نیاز شدید به سامان دهی دارد.

پیشنهادها

از آن جا که دست یابی به توسعه همه جانبه و پایدار اساساً یک هدف بلندمدت است، در خصوص مهاجرت نیروی انسانی متخصص از کشور، راهکارهای متفاوتی نیز متصور است. تجربه بین المللی نشان می دهد که از جمله مهم ترین این راه کارها، اتخاذ سیاست هایی است به منظور استفاده هر چه بیش تر از توان و ظرفیت متخصصان مقیم خارج بدون آن که نیاز به بازگردانیدن دائم آن ها به داخل کشور باشد. در این شرایط، مناسب است که در چارچوب برنامه های توسعه، راهکارهایی مشخص برای تشکیل و توسعه شبکه هایی از متخصصان ایرانی خارج از کشور که در ارتباط نهادینه و مستمر با دانشگاه ها و مراکز علمی و فنی کشور باشند، در نظر گرفته شود. از سوی دیگر، تجربیات بین المللی برای پیش گیری از فرار مغزها نشان می دهد که ایجاد انگیزه قوی برای ماندن متخصصان و نخبگان در کشورهای خود، مهم ترین سیاست بلندمدت و اساسی برای پیشگیری از مهاجرت گسترده نیروی انسانی متخصص از کشورهای در حال توسعه است. این هدف تنها از طریق توسعه همه جانبه این کشورها در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تحقق پذیر است، چرا که با توسعه همه جانبه در واقع، هم سطح دستمزدها در کشورهای در حال توسعه افزایش یافته و به دستمزدهای کشورهای توسعه یافته نزدیک می شوند و هم تفاوت دستمزدها، دیگر انگیزه ای برای خروج متخصصان از کشور خود نخواهد بود. در کنار این موارد، با توسعه سیاسی و اجتماعی این کشورها زمینه برای بروز استعدادهای ذهنی نخبگان و برخورداری از شأن و احترام لازمه در جامعه فراهم می آید که خود انگیزه ای قوی برای ماندن آنها در کشور خود به شمار می آید. بنابراین، حل مسئله مهاجرت گسترده نیروی انسانی متخصص در بلندمدت و به طور ریشه ای، به توسعه همه جانبه و پایدار در کشورهای در حال توسعه وابسته است و کلیه سیاست هایی که به توسعه همه جانبه این کشورها کمک می کنند، در خدمت پیش گیری از فرار مغزها قرار می گیرند.

با توجه به نتایج تحقیق، بیشتر مطالعات انجام شده در سطح کلان- از جمله تاثیرات جهانی شدن بر مهاجرت نخبگان، اثرات بازار کار جهانی و مهاجرت نخبگان از جهان سوم- بوده است. لذا انجام تحقیقاتی در سطح خرد و با توجه به الزامات رشته ها و اقشار مختلف مهاجران و بررسی نگرش ها، باورها و رفتارهای آنها ضروری به نظر می رسد. به علاوه، لازم است که بررسی هایی در زمینه تاثیرات مهاجرت متخصصان و تحصیل کردگان از کشور بر روی شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی صورت گیرد و به این مسئله که آیا تاثیرات این پدیده تماماً منفی می باشد یا اینکه این روند جوانب مثبت دارد هم توجه شود. باید دید که ماندن و مهاجرت نکردن نیروهای انسانی تحصیل کرده با توجه به شرایط و امکانات موجود در جامعه چه مقدار بازدهی و سود خواهد داشت

و آیا اصولاً با شرایط و امکانات موجود، امکان بهره‌گیری از استعدادها و ظرفیت‌های این نیروها وجود دارد.

نتایج این پژوهش نشان داد که عمده تحقیقات انجام شده به دنبال تبیین علل مهاجرت نخبگان بوده‌اند تا بررسی راه‌های بازگشت و جذب نخبگان. بنابراین با توجه به اطلاعات اندک در این بخش، نیاز است که تحقیقات آینده به بررسی شیوه‌های بازگشت و همین‌طور حفظ نخبگان توجه داشته باشند.

شایان ذکر است که جامعه آماری بیشتر تحقیقات انجام شده در مورد مهاجرت نخبگان، نخبگان موجود در داخل کشور بوده‌اند که دست‌یابی به دیدگاهی روشن‌تر و جامع‌تر در این زمینه، بررسی آرای نخبگان خارج از کشور را نیز طلب می‌کند.



منابع

- حسینی نژاد، سید مرتضی (۱۳۸۲) "ابعاد فرار مغزها در جهان و ایران". اطلاعات سیاسی-اقتصادی. سال ۱۷، شماره ۱۱ و ۱۲.
 - داورزنی، طاهره (۱۳۸۵) "بررسی آسیب‌شناختی فرار مغزها با تاکید بر پیامد اجتماعی و فرهنگی". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
 - ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۶) "فرا تحلیل مطالعات انجام شده در زمینه جذب نخبگان و پیشگیری از مهاجرت". مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران. دوره هشتم، شماره ۱.
 - طیبی، سیدکمیل؛ عمادزاده، مصطفی و رستمی حصوری، هاجر (۱۳۹۰) "اثر فرار مغزها بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه". پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی. دوره ۱، شماره ۲.
 - فرجادی، غلامعلی (۱۳۸۰) "بررسی نقش برخی از پارامترهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی بر روند مهاجرت مغزها". رساله کارشناسی ارشد، موسسه عالی پژوهش و برنامه ریزی و توسعه.
 - غفوری، علی و اکبری، حمید (۱۳۸۷) "مهاجرت نخبگان، تاثیرات، علل و راهکارها". نشریه طب و تزکیه. شماره ۳۵.
 - لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸) نظریه های مهاجرت. شیراز: نوید
 - محمدی الموتی، مسعود (۱۳۸۳) "جهانی شدن و مهاجرت نخبگان: بررسی تجربه ایران". فصلنامه رفاه اجتماعی. سال چهارم، شماره ۱۵.
 - طایفی، علی (۱۳۸۰) موانع فرهنگی توسعه تحقیق در ایران؛ مقدمه‌ای بر اندیشه‌ورزی و اندیشه‌سوزی در ایران. تهران: انتشارات آزاد اندیشان
- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- Abdollahi, Mohammad (1979) **Capitalism & Brain Drain: Anialectical Analysis of The Migration of Highly Qualified Manpower from less Developed to More Developed Countries.** Iran and the U.S Doctoral Dissertation .
 - Cuhls, K. (2007) "The brain drain problem, Technological Forecasting and Social Change". Volume 74, Issue 5, Pages 708-714
 - Kangasnimi, M. Winter, A. Commander, S. (2007) "Is the medical brain drain beneficial?" Evisence from overseas doctoris in the UK, Social science and medicine, Vol . 65.
 - Zweig, D, Siu fung. C, Han. D (2008) "Redefining the brain drain, china's & diaspora option" science, te chrobgy and society: 13: 1.

فهرست پایان نامه‌های مورد استفاده در مطالعه مرور سیستماتیک

- اخترمحققی، مهدی (۱۳۸۲) "بررسی نگرش دانشجویان دانشکده دانشگاه آزاد اسلامی اراک پیرامون فرار مغزها". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی اراک.
- الهیان، علوان (۱۳۸۲) "بررسی شیوه‌های جذب و نگهداری متخصصان (جهادگران متخصص)". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- بهمرد، سمیه (۱۳۸۴) "مهاجرت نخبگان از جهان سوم (مطالعه موردی ایران، قبل و بعد از انقلاب)". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- تیموری درشکی، عباس (۱۳۷۹) "بررسی نگرش متخصصان تعلیم و تربیت و مجریان «آپ» نسبت به پدیده نخبه پروری". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- حسن زاده، محمد (۱۳۸۳) "بررسی عوامل موثر بر کسب موفقیت و پیشرفت شغلی کارمندان متخصص". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی کرمان.
- دانشیار، زهرا (۱۳۸۲) "بررسی نگرش دانشجویان بورسیه دکتری داخلی که از دوره‌های تحقیقاتی شش ماه اعزام به خارج". دانشگاه شهید بهشتی.
- داورزنی، طاهره (۱۳۸۵) "بررسی آسیب‌شناختی فرار مغزها با تاکید بر پیامد اجتماعی و فرهنگی". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- دستاران، ابراهیم (۱۳۸۲) "بررسی روند اعزام اعضای دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به خارج از کشور برای گذراندن فرصت مطالعاتی طی سال‌های ۱۳۷۱ لغایت ۱۳۸۰". رساله کارشناسی ارشد، برنامه‌ریزی آموزشی.
- رجبی، مسعود (۱۳۷۹) "بررسی میزان و عوامل گرایش به مهاجرت از کشور مطالعه نظری همراه با تحقیقی در بین دانشجویان فنی دانشگاه تهران". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- سرگزی، حمیدرضا (۱۳۷۶) "بررسی عوامل موثر در جذب و نگهداری نیروی انسانی متخصص در سازمان جهاد سازندگی". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد کرمان.
- شریفی، منصور (۱۳۷۶) "بررسی گرایش اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های تهران به مهاجرت از کشور". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- شعبانلو، رحیم (۱۳۸۰) "بررسی گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- صادقی، عباس (۱۳۸۲) "بررسی نقش دانشگاه‌ها در کاهش مهاجرت نخبگان از دیدگاه اعضای هیات علمی، مدیران و کارشناسان". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.

- صالحی، فروزنده (۱۳۷۱) "مروری بر پدیده فرار مغزها، علل و عوامل مترتب بر آن". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- صانعی، احمد (۱۳۷۵) "بررسی مشکلات روش های جذب و نگهداری متخصصان در بخش عملیات پرواز". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- صمدی، علی (۱۳۸۲) "بررسی اثرات علمی فرصت مطالعاتی بر اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها: نمونه موردی دانشگاه تهران". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- عباسی، رسول (۱۳۸۲) "بررسی جامعه شناختی گردش نیروی کار ماهر در سطح بین‌المللی (با تاکید بر پیمایش در زمینه فرار مغزها از ایران)". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- علی آبادی، علی (۱۳۸۱) "بررسی اثرات جهانی شدن بر فرار مغزها در کشورهای جهان سوم". رساله کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- قاسمی، اکرم (۱۳۸۱) "بررسی تأثیر روابط فرهنگی (گفتمانی) و روابط اجتماعی (ارتباطی) اجتماع علمی بر گرایش دانشجویان". رساله کارشناسی ارشد امور فرهنگی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- قاسمی، معصومه (۱۳۷۸) "سیستم نگهداشت نیروی انسانی متخصص دانشگاه تهران بر بهسازی آن". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- طوسی، محمدرضا (۱۳۸۰) "بررسی نقش برخی از پارامترهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی بر روند مهاجرت مغزها". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- طیبی‌نیا، موسی (۱۳۸۰) "بررسی نگرش اعضای هیأت علمی نسبت به مهاجرت مغزها". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- ظهیری‌نیا، مصطفی (۱۳۷۹) "عوامل موثر بر گرایش جوانان به اشتغال در خارج از کشور". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- کوشکی، محمدصادق (۱۳۷۶) "نخبگان در دیدگاه امام خمینی (س)". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق.
- مصلح، پگاه (۱۳۸۳) "نخبه‌گرایی مشارکتی". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- محمدی، علی (۱۳۷۳) "جذب و نگهداری نیروی انسانی متخصص". رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

A Study on Iranian Elite Migration

Ali Asghar Esmaelzadeh

Academic Member, Kharazmi Academic Center of Education, Culture and Research

Gholam Reza Zaker Salehi

Ph.d., Assistant Professor, Institute for Research and Planning in Higher Education

Received: 30 Dec. 2014

Accepted: 28 Jan. 2014

The article is a systematic review of the research done concerning elite migrations or brain drain in Iran, based on meta-analysis method. The outcome of the research findings, collect and disseminate research findings of individual studies to combine and integrate the findings of scientific and applied for, in line with the planning of the most important factors that led to the present systematic review. In this study, a systematic review of methods used. Useful descriptive information on the dimensions of methodological and substantive research has been done in the field of elite migration in Iran. The results show that in this case the dimensions of methodological and theoretical studies are needed to organize and less serious survey has been done in this area. Further studies are planned to assess the tendency to migrate into the elite of the elite migration has been less, such gaps in research in the field of migration and the elite.

Key Words: Systematic Review, Elite Emigration, Brain Drain and Iran